

قیام ۱۷ دی ۵۶

سرآغاز انقلاب اسلامی در مشهد



بانوان مشهدی در ۱۷ دی سال ۱۳۵۶، در یک اقدام خودجوش، آن چهره که رژیم شاه با عنوان یادبود کشف حجاب مورد توجه قرار می داد، به چالش کشیدند. این بانوان، در آن روز که مطابق سال های قبل، مراسمی در میدان مجسمه (شهدای فعلی) مشهد برگزار می شد، تجمع خود را از خیابان خسروی (اندرزگوی فعلی) آغاز و به سمت محل برگزاری مراسم حرکت کردند. هر چند که نهضت اسلامی به طور رسمی از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود، اما هنوز انقلاب اسلامی که مورخان شروع آن را بعد از قیام روز ۱۹ دی ماه شهر قم می دانند، شروع نشده بود. بنابر این، اعتراض بانوان مشهدی، زمانی شکل گرفت که کشور، آستان حوادث بزرگ بود و این اقدام را باید بخشی از روند آغاز جریان انقلاب اسلامی بدانیم. موضوعی که البته، چندان مورد توجه مورخان قرار نگرفته است. در جریان این اعتراض جمعی که در نهایت به مختل شدن برنامه مرسوم رژیم انجامید، ۱۷ نفر از بانوان مشهدی دستگیر شدند؛ هر چند که این دستگیر شدن گان نیز با اقدامات بزرگان و علمای شهر، زیاد در یازداشت نماندند. زنده یار مضاعفی شاکری، مورخ خراسان پژوه نامدار معاصر، در کتاب «انقلاب اسلامی و مردم مشهد» می نویسد: «به اعتقاد صاحب نظران، این قیام علنی و دلیرانه بانوان اسلامی مشهد در ایام اختنا، اولین ضربه ای بود که در شهر مشهد، به دستگاه استبداد و نظام حاکم نسبت به بیداری و حرکت مردم مسلمان ایران هشدار داد.» رشادت بانوان متدین مشهدی، راه را برای اقدامات بعدی گشود و به تدریج، شهر مشهد به عنوان یکی از اصلی ترین مراکز مبارزات انقلابی شناخته شد؛ شهری که شاید زودتر از دیگر نقاط ایران، طعم آزادی و نجات از زیر یوغ طاغوت را چشید.

**جواد نوانیان رودسری** - «تختی برای گرفتن زیر به سرعت حمله کرد. حریف جاخالی داد و هر دوروی تشک غلتیدند. بعد جورجی حمله کرد و یک خم تختی را گرفت. تختی سراپ شد، ولی مجارستانی که خواست لنگ ببندد، خاک شد و این طوری از تشک بیرون رفتند. کشتی سراپ اعلام شد. در این موقع تختی سگک حریف را گرفت و در میان یاعلی یاعلی جمعیت، کت او را کشید و حریف را ضربه فنی کرد در حالی که مردم از جا پریده و فریاد می زدند. تختی در سه دقیقه و ۱۵ ثانیه با فنی که همیشه از آن خیر دیده است، حریف خوش اخلاق خود را ضربه فنی کرد؛ «مشهدی هایی که شاهد آن شور و هیجان بوده اند، زیاد نیستند و آن هایی که مانده اند هم، شاید آن لحظات شور انگیز را دقیقاً به خاطر نیارند؛ هنگامی که روز دوشنبه، ۱۲ مهر سال ۱۳۳۸، همان اول صبحی، روزنامه خراسان را داده بودند دست یک آدم باسواد و با هیجان به متن گزارش فنی مسابقات قهرمانی کشتی جهان – که فز هایی از آن را برایتان نقل کردیم – گوش می دادند. تختی در آن مسابقات، مدال ارزشمند طلا را برای ایران به ارمان آورد. با این حال، این نخستین و آخرین مدال طلای اونیو؛ جهان پهلوان ما، صاحب نشان طلادر المپیک ملیون (۱۳۳۵)، قهرمانی جهان یو کوها ما (۱۳۴۰) و بازی های آسیایی توکیو (۱۳۳۷) بود و در کنار ده ها نشان افتخار و مدال های رنگارنگ دیگر، بین سال های

۱۳۳۸ تا ۱۳۳۸، صاحب بازویند پهلوانی پایتخت شد، اما همه این افتخارات، در برابر جوانمردی و مروت و مردم دوستی تختی، هیچ نبود؛ پهلوانی که در مسابقات جهانی تولیدو (۱۳۴۱)، از خیر مدال طلا گذشت، چون حاضر نشد از در زانوی الکساندر مدوید، قهرمان افسانه ای کشتی آزاد جهان و روسیه، سوء استفاده کند. تختی در طول مسابقه، کوچک ترین فشاری به زانوی مدوید وارد نکرد و در نهایت، به دلیل داشتن چند گرم وزن بیشتر از مدوید، طبق قوانین آن دوران، بازنده و صاحب مدال نقره اعلام شد، رفتارای جوانمردانه و بی سابقه در عالم کشتی که مدوید را اودار کرد دبعدها در باره تختی بگوید: «او یک انسان مهربان و دوست داشتنی بود. او به قدری قوی بود که نمی شد از قبل مقابلش برنامه ریزی کرد و اصلاً نمی شد مقابلش با یک فن خاص به برتری رسید. مسابقه تولیدو برای من، پاک ترین مسابقه تمام عمرم بود.» مشهدی ها جهان پهلوان خودشان را

## شهر قم در احیای بافت فرسوده دچار عقب ماندگی تاریخی است

معاون اداره کل راه و شهرسازی استان قم به وجود یک عقب ماندگی تاریخی در زمینه احیا و نوسازی بافت تاریخی و فرسوده شهر قم اشاره کرد و گفت: موازی کاری ها و نبود اعتبارات باعث شده است تا کار عملیاتی در این خصوص به موقع آغاز نشود.

به گزارش شهرنپوز، فهیمه فتاحی زاده در حاشیه نشست تخصصی بهره گیری از آموزه های زلزله شهر بم که در شهرداری قم برگزار شد در خصوص اقدامات صورت گرفته در دولت در خصوص بازآفرینی و احیا بافت فرسوده قم گفت: اقدامات جدی دولت در زمینه نوسازی بافت از ابتدای برنامه ششم توسعه اقتصادی استان پر رنگ شد و با راه افتادن ستادهای استانی بازآفرینی شهری، زمینه ایجاد تعاملات بین دستگاه ها با مدیریت شهری فراهم شد.

وی به مسئله عقب ماندگی تاریخی شهر قم در مقایسه با سایر شهرها برای عملیاتی کردن احیا و بازسازی بافت فرسوده اشاره کرد و گفت: موازی کاری ها و نبود اعتبارات از جمله مهم ترین دلایل این عقب ماندگی تاریخی بود که در واقع دولت باید بتواند منابع را اولویت بندی کند چراکه این منابع محدود نمی تواند پاسخگوی کل نیازهای موجود باشد و با این اعتبارات قطره چکانی و محدودیت های دولتی عملاً نمی توان کاری انجام داد.

معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی قم از تخصیص دو زمین با محدوده ۴۸ هکتاری و ۳۲ هکتاری در منطقه پردیسان به عنوان پشتهوانه مالی و مسکونی پروژه های بافت فرسوده خبر داد و گفت: برنامه ریزی ها در این خصوص از چند سال پیش آغاز شد که امسال شکل اجرایی به خود گرفته است و پروژه های مدیریتی شهری را پشتیبانی می کند.

وی با اشاره به اینکه اداره کل راه و شهرسازی نمی تواند دخالت مستقیمی در مالکیت های خصوصی داشته باشد گفت: زمینه فعالیت ما پروژه های عمومی از جمله تأمین خدمات سرانه های عمومی و رو بنایی برای ساکنین



### تختی برای آخرین بار گلباران شد



از درچه روزنامه خراسان می شناختند، باتیترهایی که گاه بوی غلومی داد: «تختی حریف استرالیایی خود را در نیم ثانیه ضربه فنی کرد؛ «همین طور با خبرهای مربوط به تلاش هایش در زلزله بوئینز هراو خیلی اخبار دیگر. هنگامی که خبر در گذشت جهان پهلوان یا به قول قدیمی ها «آقاتختی» منتشر شد، مشهدی ها با تیتر «تختی برای آخرین بار گلباران شد، روزنامه خراسان»، برای پهلوان خود گریستند؛ برای مردی که ورزش را با سجایای اخلاقی اش در آمیخته و آن را به نماد انسان بودن و انسانی زیستن تبدیل کرده بود، قهرمانی که امروز، سالروز در گذشت غریبانه و جانگذاز اوست.

■ **مردمی بودن در قاموس «جهان پهلوان»**

در باره زندگی جهان پهلوان تختی، قصه و روایت بسیار است؛ روایاتی که پس از در گذشت ناگهانی و ناباورانه او، سینه به سینه نقل می شود و از جایگاه کم نظیر پهلوان، در قلب ملت ایران حکایت دارد. با

# «جهان پهلوان» پای درد دل های چمران جوان

**بازخوانی گزارش های خراسان ۶۳ سال قبل، از قهرمانی های زنده یاد غلامرضا تختی به همراه ناشنیده هایی از دوستی صمیمانه او با دکتر مصطفی چمران**

این حال، شاید در میان آن همه داستان دلنشین، روایت های ناشنیده درباره تختی و زندگی او کم نباشد. خیلی از ما می دانیم که تختی، با رژیم پهلوی سر ساز نداشت، به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، تمکین در برابر رژیم را بر نمی تابید و به همین دلیل، او را بارها در تنگناهای گوناگون قرار دادند، اما شاید، بسیاری ندانند که او، حتی زمانی که تازه در کشتی حرفی برای گفتن پیدا کرده بود یا بهتر بگوییم، طرفداران هم او را شناخته بودند، با به پای مردم پیش می آمد. تختی از آن هایی نبود که باغ بالا و آسیاب پایین داشته باشد و هر وقت اوضاع باب میلش نبود، ناگهان مردمی شود و بخواهد از این نمَد برای خودش کلاهی بدوزد و از تردبانی که فکر می کند ترقی است، بالا برود! او از همان ابتدا، از همان زمانی که در ۱۳۲۹، ش. عضو باشگاه پولاد شد و زیر نظر «حبیب... بلور» کشتی گرفت، همراه مردم بود؛ از همان زمانی که مردم او را با اخلاق خوب و نجابتش شناختند، با زبان نرم و زندگی ساده اش، از همان زمانی که گاه به گاه سری می زد به دبیرستان دارالفنون و به دانش آموزان کشتی یاد می داد، از همان زمانی که چمران او را شناخت و شاگردش شد.

■ **آغاز رقابت در میدان کشتی «دارالفنون»**

روایت آشنایی شهید چمران با تختی شاید جالب ترین روایت های ناشنیده در باره زنده یاد جهان پهلوان تختی باشد؛ روایتی از یک آشنایی که

در دوران جوانی این شخصیت مشهور رخ داد. تختی متولد ۱۳۰۹ ش. بود و چمران، متولد ۱۳۱۱ ش. جهان پهلوان دو سال از شهید چمران بزرگ تر بود. او درباره این آشنایی می گوید: «تختی از نوستان من بود. افتخار داشتم که در دبیرستان دارالفنون تحت تعلیم او کشتی یاد بگیرم. وقتی خاطرات سوزناک و در د انگیز خود [در باره وضعیت سخت معیشتی خانواده ام و فقر جانکاهی که به آن مبتلا بودیم] را به او می گفتم، باران اشک از چشمانش جاری می شد. به یاد می آورم روز هایی را که مزدوران رژیم، دانشجویان را در دانشگاه محاصره کردند. تختی ظاهر می شد و دانشجویان با فریاد تختی تختی، او را به کمک می طلبیدند و دشمن برانکده می شد.»